

بررسی نقش جرات ورزی و خودآگاهی در پیش بینی عملکرد جنسی زنان

فاطمه بای^۱، فاطمه بهرامی^۲، مریم فاتحی زاده^۳، سید احمد احمدی^۴
و عذرا اعتمادی^۵

رابطه‌ی جنسی، بخش مهمی از رابطه‌ی زناشویی است به گونه‌ای که هر مشکلی در رابطه‌ی جنسی بر رابطه‌ی زناشویی و هر مشکلی در رابطه‌ی زناشویی بر رابطه‌ی جنسی، تاثیر گذار است. جرات ورزی به عنوان توانایی اعمال علائق و ایستادگی بر آن، بدون داشتن اضطراب و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران و آگاهی جنسی به عنوان ارزیابی فرایندهای توجه در رفتار جنسی (خودتمرکزی جنسی و شرم) می تواند روابط جنسی و زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش جرات ورزی و خود آگاهی در پیش بینی عملکرد جنسی زنان بود. بدین منظور، در یک طرح همبستگی، 120 نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به مرکز مشاوره شهرستان گنبد با روش نمونه گیری در دسترس، انتخاب و از نظر جرات ورزی جنسی، خود آگاهی و عملکرد جنسی، مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی گام به گام نشان داد که بین جرات ورزی، خود آگاهی جنسی و عملکرد جنسی، همبستگی معناداری وجود دارد. مدل فراهم شده نشان داد که 35 درصد تغییر در نمرات عملکرد جنسی، توسط جرات ورزی و خود آگاهی جنسی تبیین می شود. نتایج پژوهش حاصل نشان داد که زنان با جرات ورزی جنسی بالاتر و خود آگاهی جنسی کمتر، عملکرد جنسی بهتری دارند.

کلید واژه ها: جرات ورزی جنسی، خود آگاهی جنسی، عملکرد جنسی زنان

مقدمه

1. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان. ایران (نویسنده ی مسوول) fatemeh.bay@gmail.com
2. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان. ایران
3. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان. ایران
4. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان. ایران
5. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان. ایران

طبق راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی، اختلال جنسی زنان شامل اختلالات تمایل جنسی بازداری شده، برانگیختگی، درد و بیزاری، ارگاسم و واژینیسم است که بیش از 40 درصد زنان، مشکلات جنسی را تجربه می کنند (کینگس برگ و آلفوف، 2009). کمک موثر در زمینه ی بهبود مشکلات جنسی، می تواند روی سلامت کلی جمعیت بزرگسالان تاثیر وسیعی بر جای گذارد. هنگامی که در یک رابطه ی زناشویی ناکارآمدی جنسی وجود داشته باشد، حدود 50 تا 70 درصد رابطه را تحت تاثیر خود قرار می دهد (مک کارتی، 1999). تخمین های موجود نشان می دهد که حداقل 43 درصد زنان، از یکی از مشکلات جنسی شاکی هستند (روزن، براون، هیمان، لیلام، مستون، شیسیک، فرگوسن و داگوستینو، 2000). رابطه ی جنسی، بخش مهمی از کل رابطه ی زوجین است و گاهی اوقات، مشکلات جنسی جزئی از مشکل است. در چنین حالتی، مشکلات جنسی، ممکن است به موازات بهبود رابطه ی زناشویی در جریان خانواده درمانی یا درمان زناشویی از بین برود. در سایر موارد، ممکن است مشکلات جنسی، مشکل اولیه باشد یا حتی مشکلی جداگانه و لازم باشد درمان خاصی برای آن در نظر گرفته شود.

اصطلاح جرات ورزی، به عنوان یک احساس روانی - اجتماعی نسبت به ادراک یا تفسیر شخصی فرد در مورد نحوه ی ابراز وجود احساساتش در روابط زناشویی، تعریف شده است (عباسی و سینگ، 2006). تولور، کلی و استینس (1976) جرات ورزی را تحت عنوان توانایی افراد در جهت اعمال علایق خودش و ایستادگی بر آن، بدون داشتن اضطراب و ابراز حقوق خود بدون زیر پا گذاشتن حقوق دیگران تعریف می کنند. در بسیاری از جوامع، زنان در جراتمند بودن خویشتن مشکل داشته و عزت نفس پایینی دارند، بنابراین برایشان دشوار است که نیازهای خود را ابراز و یا استقلال فردی خود را در رابطه ی زناشویی حفظ کنند. عوامل متعدد و گوناگونی در هر جامعه، باعث شکل گیری و تشدید این وضعیت برای زنان می شود. یکی از مسایلی که بصورت نا-خودآگاه باعث پایمال شدن حقوق زنان و درماندگی آنها در جامعه می شود، مربوط به افسانه ها و باورهای غلط جنسی و جنسیتی رایج در جامعه است.

پژوهش مولنهارد و هولوبوگ (1980؛ به نقل از کولیک، 2003) نشان داد که چگونه بسیاری از زنان در رابطه ی جنسی ناهمجنس خواه از طریق گفتن "نه"، بله می گویند. این مطالعه، در اواخر سال 1980 روی 610 نفر از زنان اجرا شد. سوالی که مطرح شد، این بود که آیا اتفاق افتاده است در همان حالی که به داشتن رابطه ی جنسی تمایل دارند به درخواست انجام آن جواب «نه»

بدهند؟ 68/5 درصد این زنان گزارش داده‌اند که «نه گفتن» آنها به معنای «شاید» بوده است و 39/3 درصد آنها اظهار داشتند که «نه گفتن» آنها به معنای «بله» بوده است. این زنان، پاسخ دادند که آنها از ترس بی قید و بند به نظر رسیدن در امور جنسی، یا به دلیل کنترل کردن همسرشان که از قبل از او عصبانیت و ناراحتی به دل داشتند، یا برای اثبات اقتدار جنسی و جسمی خود، از اراییه‌ی پاسخ صریح «بله» خودداری می‌کرده‌اند.

شفیعی (2005) بر پایه گزارشی از **شوارتز و بلوم اشتاین (1983)** نقل کرده است که 51 درصد از مردان و 48 درصد از زنان متاهل، مردان را آغازگر رابطه‌ی جنسی می‌دانستند و فقط 16 درصد از مردان و 12 درصد از زنان، زنان را آغازگر رابطه‌ی جنسی می‌انگاشتند. زنان، به این دلیل که نیاز مردان را در اولویت می‌پندارند، گمان می‌کنند نمی‌توانند تمایلات جنسی شان را بیان کنند. از زمانی که زنان، نحوه‌ی آمیزش جنسی¹ را آموزش می‌بینند و حتی در زمان تامل کردن در ابراز تمایل جنسی، اولویت را در لذت مردان می‌بینند و این امر، برای بسیاری از افرادی که بی میلی جنسی یا واژینسم² دارند، تجربه جالبی نیست (دریو، 2003). افرادی که مشکلات جنسی دارند معمولاً اعتماد به نفس پایین تری داشته، مضطرب و نگران ترند (لارنت و سیمونز، 2009؛ کاتز و جاردین، 1999).

بر اساس مطالعه‌ی اپت و هالبرت (1993) زنانی که دارای جرات ورزی جنسی بالاتری هستند در تمام 5 مورد؛ یعنی فراوانی فعالیت جنسی، تعداد ارگاسم، تمایل جنسی، رضایت جنسی و زناشویی، نمره‌ی بالاتری کسب می‌کنند. خودآگاهی، شامل دو مولفه‌ی خودتمرکزی و شرم است. ون دن هوت و بارلو (2000) متوجه شدند که یکی از فرایندهای آسیب‌زا در افراد ناکارآمد، فرایند توجهی³، تمرکز بر نگرانی‌های مرتبط با عملکرد است. با توجه به مدل پردازش اطلاعات اختلالات جنسی، سوگیری توجهی، وضعیت مهمی را در ناکارآمدی جنسی اشغال می‌کند و خودآگاهی جنسی، می‌تواند عاملی آسیب‌زا در ایجاد اختلال جنسی باشد. افراد دارای ناکارآمدی جنسی، به طور معمول مجموعه‌ای از باورهای جنسی غیرواقع‌بینانه، نادرست، خشک و انعطاف ناپذیر را دارا هستند و حواسپرتی‌های شناختی از نشانه‌های جنسی، به شدت با ناکارآمدی جنسی زنان (نوبر و پیتو-گوویا، 2000) و رضایت و اعتماد به نفس جنسی کمتر (داو و

¹ - Sexual intercourse

2. Vaginism

3. Attentional

ویدرمن، 2000) ارتباط دارد. پراس، جانسن و هتريک (2008) در طی تحقیقی که روی 69 شرکت کننده (36 زن و 33 مرد) به منظور اندازه گیری میزان توجهی آنها به محرک های جنسی انجام دادند؛ بر اساس مدل های پردازش اطلاعات، بدین نتیجه رسیدند که افراد با تمایل جنسی بالاتر، توجهی بیشتر و هیجانات لذت بخش تری را نسبت به محرک جنسی نشان می دادند. تحقیق مستون (2006) اولین پژوهشی است که به شکل تجربی، تاثیر القای خودآگاهی جنسی بر پاسخ جنسی فیزیولوژیکی زنان سالم و مبتلا به اختلالات جنسی را سنجیده است. او دریافت که هر چه افراد، خودآگاهی بیشتری را در بافت جنسی تجربه کنند، به احتمال زیاد، پاسخ های برانگیختگی جنسی آنها در معرض آسیب بیشتری خواهد بود. یافته ها، نشان داده است که هر چه افراد، سطح خودآگاهی عمومی بیشتری را گزارش می دادند، سطح بالاتری از درد جنسی را نیز تجربه می کردند و توجهی متمرکز بر خود به طور معناداری پاسخ های واژینالی را کاهش می داد. به دنبال این تحقیق، ون لانک ولد و برگ (2008) به بررسی ابعاد موثر وضعیت و صفت توجه متمرکز به خود روی برانگیختگی جنسی زنان پرداختند. نتایج نشان داد زنانی که در زمان القای وضعیت متمرکز بر خود، نمرات بالاتری را در صفت متمرکز بر خود دریافت می کردند، پاسخ های تناسلی ضعیف تری را نیز گزارش می کردند.

سپس برویر، تر کوئل و لن (2009) تاثیر ارزیابی محرک جنسی را روی برانگیختگی جنسی 50 نفر از زنان با مقاربت دردناک سطحی و بدون مقاربت دردناک بررسی کردند، در این مطالعه از یک قطعه فیلم شهوانی استفاده شد که قبل از مشاهده آن، شرکت کنندگان آموزش هایی را دریافت می کردند. در یک گروه، آموزش ها متمرکز روی درد تناسلی و در گروهی دیگر آموزش ها متمرکز بر لذت جنسی بود و برای گروه کنترل هم یک دستورالعمل خنثی استفاده شد. همانطور که پیش بینی شده بود، ارزیابی محرک های شهوانی بر واکنش دهی تناسلی موثر بود و نتایج مطالعه نشان داد که زنان با مقاربت دردناک، احساسات منفی تری نسبت به گروه کنترل تجربه می کردند. بنابراین، ما بر این باوریم که رفتار جنسی منفعلانه، خودمختاری محدودی را در زمینه ی جنسی در اختیار زنان می گذارد و حواسپرتی، از نشانه های جنسی برای عملکرد جنسی آسیب زا است. موارد فوق، احتمال نقش جرات ورزی و خودآگاهی جنسی را به عنوان یک متغیر اصلی و پنهان در عملکرد جنسی مطرح می کند. این پژوهش، به بررسی نقش جرات ورزی و خودآگاهی جنسی در پیش بینی عملکرد جنسی می پردازد.

روش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. برای انجام پژوهش، از بین مراجعین زن 20 تا 45 ساله‌ی مراکز مشاوره‌ی شهرستان گنبد که حداقل یک سال از زندگی مشترکشان گذشته بود و حداقل تحصیلات دیپلم داشتند، 120 نفر به شیوه‌ی در دسترس انتخاب و با مقیاسهای جرات ورزی جنسی¹، خودآگاهی جنسی² و عملکرد جنسی³ زنان، مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه‌ی جرات ورزی جنسی، توسط هالبرت در سال (1991) به منظور سنجش میزان جرات ورزی جنسی زنان در تعامل با دیگران تدوین شد. این آزمون، 25 سوال دارد و ثبات درونی شاخص جرات ورزی جنسی آن، 0/91 گزارش شده است. دامنه‌ی نمره گذاری آزمون از صفر تا صد است که نمره‌ی بالاتر، بیانگر جرات ورزی جنسی بالاتر و نمره‌ی پایین‌تر بیانگر میزان جرات ورزی جنسی پایین‌تر است. شفیع‌ی (2005) با اجرای این آزمون روی 40 دانشجوی زن متاهل، ضریب آلفای مقیاس را 0/87 گزارش کرده است. همچنین، در طی پژوهشی که توسط بای، بهرامی، فاتحی زاده، احمدی، اعتمادی (2011) روی 120 زن متاهل در گلستان صورت گرفت، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه، 0/88 محاسبه شد.

مقیاس خودآگاهی جنسی که توسط ون لنک ولد، گیجن و سیکورا (2008) با هدف ارزیابی فرایندهای توجه، ساخته شده است، شامل دو خرده مقیاس خود تمرکزی جنسی (دارای 6 آیتم و به سنجش پاسخ‌های بدنی، افکار و احساسات در طول ارتباط جنسی با همسر می پردازد) و شرم جنسی (دارای 6 آیتم و به سنجش ارزیابی منفی از اطلاعات پیرامون خود ادراک شده می پردازد) است. پایایی درونی این پرسشنامه، 0/85 محاسبه شده است. نمره‌ی آلفای کرونباخ این پرسشنامه نیز پس از ترجمه و تایید روایی محتوایی، طی پژوهشی که توسط بای، بهرامی، فاتحی زاده، احمدی و اعتمادی (2011) روی 120 زن متاهل در گلستان صورت گرفته است، 0/70 محاسبه شد.

مقیاس عملکرد جنسی زنان توسط روزن، براون، هیمان، لیلام، مستون، شبسیک، فرگوسن و داگوستینو (2000) با هدف ارزیابی عملکرد جنسی زنان ساخته شد. این مقیاس، دارای 19 آیتم

است و 6 بعد اختلالات جنسی زنان شامل میل جنسی، برانگیختگی جنسی، لیزشدهگی واژن، ارگاسم، رضایت جنسی و درد جنسی را می سنجد. اعتبار این مقیاس، از طریق پایایی بازآزمایی در پژوهش های گوناگون 0/79 تا 0/86 و نمره ی آلفای کرونباخ آن برابر 0/82 گزارش شده است. محمدی، حیدری و فقیهی زاده (2008) پایایی این پرسشنامه را 0/70 و فاتحی زاده، احمدی، اعتمادی (2011) 0/91 گزارش کرده اند.

در این پژوهش، برای بررسی رابطه ی بین متغیرها از تحلیل رگرسیون استفاده شد و داده ها با استفاده از ویرایش 16 نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

در جدول 1، مولفه های توصیفی جرات ورزی، خود آگاهی جنسی و عملکرد جنسی ارائه شده است.

جدول 1: مولفه های توصیفی جرات ورزی، خود آگاهی و عملکرد جنسی

میانگین	انحراف معیار	
54/84	15/43	جرات ورزی جنسی
16/84	7/09	خود آگاهی جنسی
70/54	12/15	عملکرد جنسی

در جدول 2، خلاصه ی مدل رگرسیون جرات ورزی، خود آگاهی و عملکرد جنسی ارائه شده است.

جدول 2: خلاصه ی مدل رگرسیون جرات ورزی، خود آگاهی و عملکرد جنسی

مدل	R	R ²	R ²	p
1	0/541	0/293	0/287	0/001
2	0/591	0/350	0/339	0/002

همان گونه که مشاهده می شود، مقدار مجذور R نشان می دهد که 35 درصد تغییر در نمره های عملکرد جنسی، توسط جرات ورزی و خودآگاهی جنسی تبیین می شود. با توجه به این که مقدار F محاسبه شده در مدل 1 (48/885) در سطح آلفای 0/001 و در مدل 2 (10/210) در سطح آلفای 0/002 معنادار است، می توان نتیجه گرفت که همبستگی بین جرات ورزی و عملکرد جنسی مثبت و معنادار و همبستگی بین خود آگاهی و عملکرد جنسی منفی و معنادار است.

جدول 3: تحلیل واریانس معناداری کل مدل رگرسیون جرات ورزی خود آگاهی و عملکرد جنسی

مدل	استاندارد نشده		استاندارد		p
	بتا	خطای معیار	بتا	T	
ثابت	60/749	5/406	-	11/237	0/001
جرات ورزی	0/322	0/067	0/409	4/795	0/001
خودآگاهی	-0/467	0/146	-0/272	-3/195	0/002

تحلیل رگرسیون چند گانه ی گام به گام برای پیش بینی مولفه ی عملکرد جنسی بر اساس نمرات متغیر جرات ورزی و خودآگاهی جنسی در جدول 3 ارائه شده است. با توجه به وزن های بتا، متغیر مستقل جرات ورزی، دارای وزن 0/32 است متغیر جرات ورزی دارای رابطه ی مستقیمی با متغیر وابسته است. از سوی دیگر، متغیر خودآگاهی، دارای وزن -0/46 است که به معنای برقراری رابطه ی معکوس و متوسط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است.

بحث و نتیجه گیری

رابطه ی جنسی، بخش مهمی از رابطه ی زوجین است. این رابطه، تحت تاثیر عوامل گوناگونی است که هر یک به نوبه ی خود روابط و مشکلات جنسی افراد را تبیین می کنند. جرات ورزی به عنوان تفسیر شخصی در مورد نحوه ی ابراز وجود احساسات (عباسی و سینگ، 2006) و توانایی افراد در جهت اعمال علائق خود و ایستادگی بر آن بدون داشتن اضطراب و ابراز حقوق خود بدون زیر پا گذاشتن حقوق دیگران (تولور، کلی و استینس، 1976) یکی از این عوامل است. پژوهش مولنهارد و هولوبوگ (1980؛ به نقل از کولیک، 2003) نشان داد که زنان از ترس بی قید و بند به نظر رسیدن در امور جنسی، یا به دلیل کنترل کردن همسرشان، یا برای اثبات اقتدار

جنسی و جسمی خود، از پاسخ صریح «بله» به داشتن رابطه‌ی جنسی با همسرشان خودداری می‌کنند و شاید به همین دلیل است که 51 درصد از مردان و 48 درصد از زنان متاهل، مردان را آغازگر رابطه‌ی جنسی می‌دانند (شوارتز و بلوم اشتاین، 1983 از شفیع، 2008) و زنانی که جرات ورزی جنسی بالاتری دارند در فراوانی فعالیت جنسی، تعداد ارگاسم، تمایل جنسی، رضایت جنسی و زناشویی، نمره‌ی بالاتری کسب می‌کنند (اپت و هالبرت، 1993)؛ یعنی کارآمدی بیشتری در رابطه‌ی جنسی احساس می‌کنند.

از طرفی، ون دن هوت و بارلو (2000) دریافتند که یکی از فرایندهای آسیب‌زا در افراد ناکارآمد، فرایند توجهی و تمرکز بر نگرانی‌های مرتبط با عملکرد آنهاست. به همین دلیل، سوگیری توجه، وضعیت مهمی را در ناکارآمدی جنسی ایجاد می‌کند و خودآگاهی جنسی (خودتمرکزی جنسی و شرم) می‌تواند عاملی آسیب‌زا در پدیدآیی اختلال جنسی باشد.

در این پژوهش، ضمن بررسی جرات ورزی جنسی، خودآگاهی جنسی و عملکرد جنسی زنان، دریافتیم که بین میزان جرات ورزی، خودآگاهی جنسی و عملکرد جنسی همبستگی معناداری وجود دارد. مدل فراهم شده نیز، نشان داد که 35 درصد تغییر در نمرات عملکرد جنسی توسط جرات ورزی و خودآگاهی جنسی تبیین می‌شود. بسیاری از محققان، بر این باورند که جرات ورزی جنسی برای دستیابی به اهداف جنسی و یک رابطه‌ی جنسی سالم ضروری است (هالبرت، 1991؛ تولمن، 2002؛ کولیک، 2003؛ عباسی و سینگ، 2006) و خود تمرکزی (ویدرمن، 2001؛ مستون، 2006؛ ون لانک ولد، گیجن و سیکورا، 2008) نقش مهمی در عملکرد جنسی ایفا می‌کند.

برخی از مطالعات؛ حاکی از آن است که جرات ورزی، ارتباط مثبتی با شاخص‌های عملکرد جنسی مثل تمایل، برانگیختگی، رضایت و ارگاسم دارد (هالبرت، 1991؛ سانچز، کیفر و بارا، 2006؛ کیفر و سانچز، 2007؛ همکاران، 2012) همچنین، تحقیق نیکلسون و بار (2003)؛ به نقل از شفیع، 2008) در مقایسه‌ی زنان با توانایی ارگاسم بالا و پایین، نشان داد که زنان با ارگاسم بالا در بیان نیازها و تمایلات جنسی به زوج خود تواناترند. این زنان، قادرند رابطه جنسی را آغاز کنند و فعالیت جنسی را در جهت کسب آنچه که می‌خواهند، هدایت کنند در حالی که زنان با ارگاسم پایین نه تنها از چنین توانایی‌هایی برخوردار نبودند بلکه بیشتر بر ارضای جنسی زوج خود تاکید می‌ورزیدند. تحقیق سالامینک و ون لانک ولد (2006) اولین مطالعه‌ای

است که پاسخ‌های جنسی به محرک‌های شهوانی را در سطوح متفاوتی از حواسپرتی خنثی در زنان با مشکلات جنسی و بدون مشکلات جنسی بررسی کردند. یافته‌ها، بیانگر آن است که با ایجاد شرایط حواسپرتی در هر دو گروه نسبت به نبود این شرایط، میزان سطح برانگیختگی جنسی در هر دو گروه کاهش می‌یافت.

به طور کلی با استناد به پژوهش‌های انجام شده‌ی پیشین و همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق بای (2008) مبنی بر بررسی تاثیر گروه درمانی فمینیستی بر جرات ورزی و تمایل جنسی زنان متأهل، می‌توان اظهار داشت که این رویکرد، قابلیت چشمگیری در افزایش قدرت جرات ورزی جنسی زنان و به صورت موازی توان لازم جهت ارتقای تمایل جنسی آنها داشته است. با توجه به این که ناکارآمدی جنسی زنان، تاثیر فوق العاده و انکارناپذیری روی بهزیستی کلی فرد دارد (بالون، 2008) در نتیجه ضرورت وجود یک طرح درمانی مناسب با توجه به متغیرهای اصلی و پنهان در عملکرد جنسی و شرایط فرهنگی در درمان ناکارآمدی جنسی زنان احساس می‌شود.

سیاسگراری

پژوهشگران، از تمام زنان شرکت کننده در این تحقیق تشکر می‌کنند.

Reference

- Abbassi, A., & Singh, R. (2006). Assertiveness in Marital Relationships among Asian Indians in the United States. *The family journal*, 14 (4), 392-399.
- Apt, C. Hurlbert, D. F. (1993) The sexuality of women in physically abusive marriage: a comparative study. *Journal of Family Violence*. 8(1), 57-69.
- Balon, R. (2008). Introduction: New Developments in the Area of Sexual Dysfunction(s). *Advances in Psychosomatic Medicine*. 29, 1-6.
- Barker, P. *Basic family therapy*. (1985). Translated by Dehghani, M. & Dehghani, Z. Tehran: Roshd; 2003. (Persian).
- Bay F. (2008). *The effectiveness of feminist group therapy on sexual desire and assertiveness among married women* (unpublished MA/ Thesis) Tehran. Tarbiat Moallem University; (Persian)
- Brauer, M. ter Kuile, M. M., & Laan, E. (2009). Effects of appraisal of sexual stimuli on sexual arousal in women with and without superficial dyspareunia. *Archive of Sexual Behavior*. 38, 476-485.
- Dove, N. L., Wiederman, M.W. (2000) Cognitive Distraction and Women's Sexual Functioning. *Journal of sex and marital therapy*, 26, 67-78.
- Drew, J. (2003). The myth of female sexual dysfunction and its medicalization. *Sexualities, Evolution & Gender*, 5(2), 89-96.
- Hurlbert, D. F. (1991). The role of assertiveness in female sexuality: A comparative study between sexually nonassertive women. *Journal of sex and marital therapy*, 17, 183-190.
- Katz, R.C., & Jardine, D. (1999). The Relationship between worry, sexual aversion, and low sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 23, 293-296.
- Kiefer, A. K., & Sanchez, D. T. (2007). Scripting sexual passivity: A gender role perspective. *Personal Relationships*, 14, 269-290.
- Kingsberg, SH., & Althof, S. E. (2009). Evaluation and treatment of female sexual disorders. *International Urogynecology*, 20, 33-43.
- Kulick, D. (2003). No. *Language & Communication*. 23, 139-151.

- Laurent, S. M., Simons, A. D. (2009). Sexual dysfunction in depression and anxiety conceptualizing sexual dysfunction as part of an internalizing dimension. *Clinical Psychology Review*, 29, 7, 573-585.
- Lvlyn-Jones *Oxford sexual knowledge*, (1923) 3st ed. Translated by Rahmati, B. Tehran: Noorbakhsh; (1998). (Persian)
- McCarthy, B. W. (1999). Relapse prevention strategies and techniques for inhibited sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 25, 297303.
- Meston, C.M. (2006). The effects of state and trait self-focused attention on sexual arousal in sexually functional and dysfunctional. *Behaviour Research and Therapy*, 44, 515-532.
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2009). Cognitive Schemas Associated with Negative Sexual Events: A Comparison of Men and Women with and Without Sexual Dysfunction. *Archive of Sexual Behavior*. 38, 842-851.
- Prause, N. Erick Janssen, E. Hetrick, W.P. (2008). Attention and Emotional Responses to Sexual Stimuli and Their Relationship to Sexual Desire. *Archive of Sexual Behavior* 37,934-949.
- Rozen, R. Brown, C. Heiman, G. Leiblum, S. Mecton, C. Shabsigh, R. Ferguson. Dagostino, R. (2000). The female sexual function index (FSFI): A multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *Journal of sex & Marital Therapy*, 26, 191-208.
- Salamink, E., vanlankveld, J.J.D.M. (2006). The effects of increasing neutral distraction on sexual responding of women with and without sexual problems. *Archive of Sexual Behavior*, 35, 179-190.
- Sanchez, D. T., Kiefer, A., & Ybarra, O. (2006). Sexual submissiveness in women: Costs for autonomy. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, 512-524.
- Sanchez, D. T., Phelan, J. E., Moss-Racusin, C. A., & Good, J. J. (2012). A dyadic and motivational examination of women's sexually submissive behavior and sexual satisfaction in couples. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 38(4) 528- 539.
- Shafiee, P. (2005) An analysis of the relationship between sexual assertiveness, desire and identity of married femals student (20-30 years) residing in dormitories of Tehran. : (unpublished MA/ Thesis), Tehran.Tarbiat Moallem University..
- Tolman, D. L. (2002). Femininity as a barrier to positive sexual health for adolescents: In Hunter A. E., & Forden C. (Eds.), *Readings in the psychology of gender: Exploring our differences and commonalities*. Boston: Allyn & Bacon, 196-206.
- Tolor, A., Kelly, B. R., & Stebbins, C. A. (1976). Assertiveness, sex-role stereotyping, and self-concept. *The journal of psychology*, 93,157-164.
- van den Hout, M. A., & Barlow, D. (2000). Attention, arousal and expectancies in anxiety and sexual disorders. *Journal of Affective Disorders*, 61, 241-256.
- Van Lankveld, J. Bergh, S. (2008).The interaction of state and trait aspects of self-focused attention affects genital, but not subjective, sexual arousal in sexually functional women. *The Behaviour Research and Therapy*; 46(4), 514-528.
- Van Lankveld, J. J. D. M., Geijzen, W. E. H., Sykora, H. (2008). The Sexual Self-Consciousness Scale: Psychometric Properties. *Archive of Sexual Behavior*, 37,925-933.
- Wiederman, M.W. (2001) "Don't look now": the role of self-focus in sexual dysfunction. *The Family Journal*. 9 (2). 210-214.